

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بیانات حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (دامت برکاته) پیرامون حوادث مربوط به اصلاح نرخ بنزین

قبل از شروع بحث، چند نکته راجع به حوادث اخیر عرض کنیم تا نسبت به این موضوع وظیفه خود را تا حدی انجام داده باشیم.

آنچه که ملاحظه فرمودید و همه در جریان آن قرار گرفتیم این بود که سران قوا قانونی را با کارشناسی‌های طولانی مدت تصویب کردند و بعد مورد تأیید رهبری معظم انقلاب هم قرار گرفت، منتها این را به صورت ناگهانی به مردم اعلام کردند.

بعد از طرح این قضیه در بعضی از شهرها شاهد حمله عده‌ای به مراکز اقتصادی، بیمارستان‌ها، حوزه‌های علمیه و پمپ‌بنزین‌ها بودیم.

رهبر معظم انقلاب نیز در فرمایشات خود موضوع اعتراض مردم و اقدامات خرابکارانه را از هم تفکیک کردند و فرمودند مردم چنین کارهایی را انجام نمی‌دهند کسانی که اقدام به تخریب اموال عمومی می‌کنند اشرار هستند.

خود افرادی هم که در رسانه‌های خارجی دائماً دنبال مقابله با انقلاب هستند اقرار کردند که مدت زیادی است که ما در حال برنامه‌ریزی هستیم تا در ایران آشوب‌هایی به وجود آوریم.

بنابراین نباید فکر کنیم که دشمن فقط تصمیم به مسأله تحریم‌های ظالمانه گرفته و توطئه‌های دیگر را رها کرده است اتفاقاً خود آنها مکرر اظهار می‌کنند که ما با تحریم می‌خواهیم این انقلاب را از بین ببریم و ایران را وادار به تسلیم کنیم.

این حوادث روشن کرد کنار این تحریم چه نقشه‌ها، توطئه‌ها و برنامه‌هایی تدارک دیده شده که با یک فشار اقتصادی به مردم آنها بلافاصله سوء استفاده کرده و به نام مردم به خیابان‌ها بریزند و این اقدامات وحشیانه را انجام دهند.

مگر می‌شود یک مسلمان قرآن را آتش بزند؟! قرآن چون کتاب انقلاب ماست و اساس انقلاب بر پایه آن استوار است، باید در دستور کار مقابله دشمن قرار بگیرد.

افزایش قیمت بنزین همان‌طور که موجب فشار به عموم مردم است، فشار آن روی حوزه‌های علمیه بیشتر است، چون طلاب واقعاً در دهک‌های پایین جامعه قرار دارند.

دشمن هم این مسئله را به خوبی می‌داند ولی اینکه به حوزه‌ها حمله می‌کنند و قرآن آتش می‌زنند و متعرض طلاب و روحانیون می‌شوند، همه اینها برنامه‌ریزی شده است. نباید تصور شود که بخشی از مردم، هیجانی شده‌اند و این کارها را کردند. یک مسلمان به هیچ وجهی در شدیدترین وضع هیجانی هم که باشد قرآن آتش نمی‌زند! اینها با این کار، مشیت خودشان را باز کردند و خواستند مقابله خود را با نظام و انقلاب به نام مردم تمام کنند.

خیلی از افراد این سؤال را مطرح می‌کنند که آیا افزایش قیمت بنزین به نفع مردم است یا به ضرر؟

جمع زیادی می‌گویند به نفع است و جمعی هم گفته‌اند به ضرر است.

به هرحال وقتی قانون اجرا شود بعد از مدتی معلوم می‌شود که حق با کدام یک از این دو طرف است؛ ولی آن مقداری که کارشناس‌ها مطرح کرده‌اند و من هم توسط بعضی افراد ساکن در بنادر اطلاع دارم مقدار قابل توجهی از این سوخت به صورت قاچاق از کشور خارج شده و درآمد هنگفت آن به جیب قاچاقچی‌ها می‌رود.

از یک طرف این بیت المال کشور و مال همه مردم است که باید درست مصرف شود و در این حرفی نیست، اما از طرف دیگر نگرانی عمده مردم در این است که افزایش قیمت بنزین، موجب گرانی همه اجناس خواهد شد، که دولتمردان باید مراقب گرانی اجناس باشند و قیمت‌ها را به خوبی کنترل کنند.

بحمدالله در این نظام بسیاری از مسئولین، دلسوز این مردم و به فکر مردم و حتی به فکر نسل‌های آینده این کشور هستند.

در رأس همه مسئولین هم رهبری معظم انقلاب است که بیاناتشان برای همه ما حوزویان و مردم یک تسکین است وقتی ایشان می‌فرمایند من تصمیم سران قوا را تأیید کردم، خیال انسان راحت می‌شود، چون اینطور نیست که ایشان بلافاصله آن را تأیید کرده باشند، حتماً هر یک از سه قوه با ده‌ها کارشناس چنین تصمیمی را اتخاذ کرده‌اند. اینطور نیست که رئیس یک قوه بگوید نظر شخصی من این است که این کار انجام شود و ایشان هم تأیید کنند. وقتی با نظر کارشناسان تصمیمی گرفته شود، در حقیقت این نظر علیرغم فشار سنگینی که بر مردم وارد می‌کند، عاقبتش به نفع عموم خواهد بود.

امروز آنچه مهم است این است که در این مرحله، مشیت دشمن زودتر از موعد باز شد و معلوم گردید در هر منطقه‌ای افرادی را برای این حملات و تخریب‌ها آموزش داده‌اند. دهه اول انقلاب کار منافقین ترور فیزیکی بود. می‌رفتند جلوی مغازه، یک انقلابی را ترور می‌کردند. اما الآن روش آنها عوض شده، می‌آیند در تجمعات مردم تحت عنوان مطالبات عمومی مردم علیه نظام و انقلاب شعار سر می‌دهند و برای اهداف شوم‌شان فضای هیجانی ایجاد می‌کنند.

این تحرکات در سال گذشته تا یک حدی انجام شد و امسال هم در این جریان تکرار گردید که خیلی هم ناجوانمردانه و ناگوار است، افزون بر ضربه‌های اقتصادی به مراکز عمومی، افراد بی‌گناهی شهید و یا مجروح می‌شوند و فضای ناامنی در جامعه ایجاد می‌کنند. هدف دشمن این است که اینجا را هم مثل بعضی از کشورها ناامن کنند.

بحمدالله توده‌ی مردم که دل به این انقلاب سپرده و پای این انقلاب ایستاده‌اند ممکن است به عملکرد ناصحیح مسئولین اعتراض داشته باشند، اما با گران شدن بنزین و مسائلی از این قبیل دست از انقلابشان بر نمی‌دارند و این نشان از رشد و آگاهی مردم عزیز ما دارد.

در این قضایا دشمن شناسی انسان قوی‌تر شده و توجهش به ترفندهای دشمن بیشتر می‌گردد.

در این حادثه همان‌طور که وجود ولایت فقیه و مواضع رهبری برای ما موجب تسکین است، مراجع بزرگی هم که ورود پیدا کردند نشان‌دهنده این است که مراجع و روحانیت هم مثل همیشه در نگرانی از وضع معیشتی مردم در صف مقدم قرار دارد.

یادم می‌آید گاهی اوقات خدمت مرحوم والدمان (رضوان الله علیه) می‌رسیدیم می‌فرمودند من دیشب خوابم نبرد. عرض می‌کردیم چرا؟ می‌فرمودند سیب‌زمینی گران شده و من نشسته‌ام حساب کردم یک کارگری که غذای سفره‌اش در ظهر و شب، سیب‌زمینی است و چهار پنج نفر عائله دارد، الآن با این درآمد کم چطور می‌تواند قوت عیالش را تامین کند؟ بزرگان ما همیشه همین‌طور بوده‌اند.

منتهی در این دهه اخیر، شیطنتهایی در فضای مجازی صورت گرفت تا بگویند روحانیت و مراجع به فکر مردم نیستند، در حالی که همیشه مراجع ما نشان داده‌اند دلسوز مردم و نگران آنها هستند.

مطلب آخر اینکه بحمدالله این نظام هر روز قوی‌تر و استوارتر از گذشته می‌شود. معنای این جمله که امام راحل آن زمان بیان کردند، بعد از سال‌ها امروز برای ما کاملاً روشن می‌شود که می‌فرمود «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا آسیبی به مملکت نرسد». این جمله بسیار عجیبی بود، آن هم در شرایط اوایل دهه 60 و آن بحران‌هایی که این نظام نوپا با آن مواجه بود. حزب کموله در کردستان از یک طرف، خلق مسلمان در آذربایجان از طرف دیگر، خلق عرب در خوزستان و منافقین و توده‌ای‌ها و نهضت آزادی در همه کشور یک بحران بسیار عجیبی ایجاد کرده بودند که قابل مقایسه با جنگ احزاب نبود، خیلی فراتر از اینها بود.

امام خمینی (ره) این جمله را همان موقع به عنوان یک اصل اساسی برای انقلابی‌ها بیان فرمودند. امروز هم این جمله باید مدّ نظر ما باشد و مردم هم بهتر از من و شما به این جمله واقف هستند.

علی‌ای حال در این دو روز گذشته حرکت‌های حمایتی مردم شروع شده و تاکنون هم هر جا مردم حضور در صحنه پیدا کرده‌اند توطئه‌های دشمن را خنثی نموده‌اند، بحمدالله فردا هم در قم اعلام شده که مردم و حوزه علمیه حرکتی داشته باشد. ان شاء الله همه آقایان حضور پیدا کنید و وظیفه خود را در پاسداشت از انقلاب و ناکام گذاردن نقشه شوم دشمن به نحو احسن انجام دهید.

دیدگاه مرحوم امام در الرسائل

بحث در اشکال امام به جمع مطرح شده توسط شیخ اعظم انصاری (اعلی الله مقامه الشریف) است. تا اینجا کلام مرحوم امام از تنقیح را نقل کردیم. به جهت این‌که دیدگاه ایشان در الرسائل خیلی روشن‌تر از تنقیح الاصول ذکر شده خوب است آن را هم بیان کنیم.

قبلاً در اشکال به شیخ گفتیم یکی از اخبار تخییر خبر حسن بن جهم است.^[1] ایشان فرمود خبر حسن بن جهم قابلیت برای حمل بر عدم وصول به امام علیه السلام را ندارد. ولو این تعبیر در کتاب تنقیح الاصول نبود ولی امام در رسائل می‌فرمایند این مستلزم خروج مورد است؛ یعنی اگر بخواهیم روایت حسن بن جهم را بر صورت عدم تمکن از وصول به امام (علیه السلام) حمل کنیم لازمه‌اش خروج مورد است چون حسن بن جهم در زمان امام هشتم (علیه السلام) بوده است و معنا ندارد حضرت حکم زمان غیبت مطلب را بیان کنند چون به این معناست که حسن بن جهم که در زمان حضور است جوابش را از امام اخذ نکرده باشد.

در ادامه و در مقام اشکال به مرحوم شیخ می‌فرمایند اگر تعبیر «یرجئه حتی یلقى من یخبره» در موثقه سماعه^[2] را معنای عامی کنیم یعنی بگوئیم من یخبره اعم از امام معصوم و فقهای در زمان غیبت - کسی که رأی امام معصوم را به هر طریقی می‌داند -

است نمی‌توانیم آن‌را منحصر به زمان حضور امام علیه السلام کنیم. بلکه اگر مراد از من یخبره فقط امام معصوم بود قابلیت حمل بر زمان حضور امام را داشت. ما هم قبلاً گفتیم مرحوم اصفهانی در حاشیه کفایه من یخبره را معنای عام کرده‌است؛ لذا حمل شیخ توجیه‌پذیر نیست.

در ادامه می‌فرمایند حمل اخبار تخییر بر زمان غیبت بُعد از حمل اخبار توقف بر زمان حضور است به این بیان که سلمنا اخبار توقف را حمل بر زمان حضور کنیم اما حمل اخبار تخییر مثل روایت حسن بن جهم بر زمان غیبت بسیار مشکل است چون مستلزم خروج مورد است و تالی فاسدی که حمل اخبار تخییر بر زمان غیبت دارد به مراتب بدتر از تالی فاسد حمل اخبار توقف بر زمان حضور است.

اشکال دیگر این است این حمل صحیحی نیست چون عین تعبیری که در اخبار تخییر داریم، در اخبار توقف هم وجود دارد به این بیان که تعبیر «فَمَوْسَعٌ عَلَيْكَ حَتَّى تَرَى الْقَائِمَ فَرَدَّهُ عَلَيْهِ» که در روایت حارث بن مغیره وارد شده در اخبار توقف هم وجود دارد و وقتی وحدت تعبیر بین اینها وجود دارد چطور می‌توانیم اخبار توقف را حمل بر زمان حضور و اخبار تخییر را حمل کنیم بر زمان غیبت کنیم؟

آخرین اشکال‌شان این است که این جمع، جمع عرفی نیست یعنی وقتی بگوئیم در مورد خبرین متعارضین یک طائفه روایات می‌گوید توقف و یک طائفه روایات می‌گوید تخییر، عرف این حمل و جمع را نمی‌پذیرد.^[3]

بررسی دیدگاه مرحوم امام در الرسائل

اشکال آخر امام مسلم اشکال واردی نیست چون در این‌که این یک جمع عرفی است به نظر ما تردیدی وجود ندارد. عرف می‌گوید در زمان حضور توقف کن تا بروی خدمت امام (علیه السلام) و از امام سؤال کنی، اما در زمان غیبت چون دسترسی به امام نداری مخیری و اساساً عرض شد اینجا مناسبت حکم و موضوع هم وجود دارد یعنی توقف با زمان حضور و تخییر با زمان غیبت تناسب دارد. اما سایر اشکال‌های ایشان به نظر ما اشکال تامی است.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] □ مرحوم شهید صدر (رضوان الله تعالی علیه) در مورد روایت حسن بن جهم فرمود این روایت اظهر روایات در دلالت بر تخییر است. مرحوم امام هم در اخبار تخییر روایت حسن بن جهم را اختیار کردند.

[2] □ مرحوم امام این روایت جزء اخبار توقف قرار دادند ولی قائلین به تخییر آن‌را جزء اخبار تخییر ذکر کردند.

[3] □ «فهذه جملة من الروایات المستدل بها للتخییر و التوقف، و قد اختلف إنظار المحققين في الجمع بينها، اختار شيخنا المرتضى تبعا لبعض الجمع بينها بحمل اخبار الإرجاء و التوقف على صورة التمكن من الوصول إلى الإمام كما يظهر من بعضها قال: «فيظهر منها ان المراد ترك العمل و إرجاء الواقعة إلى لقاء الإمام، لا العمل فيها إلى الاحتياط» و هذا لا يخلو من بعد و إشكال لأن المراد من التمكن اما ان يكون التمكن الفعلي في حال حضور الواقعة و وقت العمل بان يكون الإمام حاضرا في البلد مثلا فهو مخالف لسوق الاخبار، لأن الظاهر منها السؤال عن الواقعة المختلفة فيها الاخبار منهم و كان السائل متحيرا في حكمها لأجله و ليس له طريق إلى حكمها يحسم مادة الخلاف و الإشكال و لهذا ترى ان سماعة يقول: «لا بد لنا من العمل بأحدهما فأجاب بأنه خذ بما فيه خلاف العامة». و اما ان يكون المراد التمكن و لو في المستقبل في مقابل عدم التمكن مطلقا فحمل اخبار التخییر عليه بعيد، فان حمل مثل رواية ابن الجهم التي هي العمدة في الباب على عدم التمكن مطلقا حمل على الفرد النادر بل من قبيل خروج المورد، خصوصا إذا قلنا بان المراد من قوله في موثقة سماعة: «يرجئه حتى يلقي من يخبره» أعم من لقاء الإمام أو

من هو من بطانته و فقهاء أصحابه ممن يعرف فتاواه الصادرة لأجل بيان الحكم الواقعي أو لغيره كما لا يبعد، و حمل اخبار التخيير على زمان الغيبة أبعد مع انه ورد في خبر الحارث بن المغيرة نظير ما في اخبار التوقف لو كان من اخبار التخيير كما عدوه، و بالجملة في كون هذا الجمع عرفيا مقبولا إشكال.» الرسائل، ج2، ص: 51.